

انتظام فضایی شهرها و برنامه‌ریزی راهبردی استقرار جمعیت در سواحل جنوبی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

مهدی میرزاده کوهشاهی*

نسرین اباذری**

چکیده

کیفیت پراکنش و نظام استقرار فضایی جمعیت نقش موثری در توسعه پایدار مناطق، تأمین نیازها، بهبود خدمات، ایمنی و امنیت ملی دارد. این مقاله به کیفیت انتظام فضایی شهرها و چگونگی پراکنش جمعیت در مراکز شهری استان‌های ساحلی جنوب ایران پرداخته است. نخست شهری و قطبی‌شدن جمعیت، مهم‌ترین ویژگی استقرار جمعیت در مناطق یادشده است. به استثنای استان بوشهر، در سایر استان‌ها ناموزونی جمعیتی شهرهای استان مشهود است. چنین وضعیتی، ضرورت برنامه‌ریزی و حرکت به سوی تعادل جمعیت و بازتوزیع آن از طریق توجه به مناطق مستعد بارگذاری جمعیت مانند کرانه‌های دریای عمان، غرب هرمزگان و شرق استان بوشهر را روشن‌تر می‌کند.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی جمعیت، قطبی‌شدن، نظام شهری، کشش‌پذیری

Mahdi.mirzade@hormozgan.ac.ir

* استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه هرمزگان (نویسنده مسئول)

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آمایش سرزمین دانشگاه هرمزگان

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیستم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۹۶ • شماره مسلسل ۷۸

مقدمه

بررسی و سنجش شرایط محیطی برای اجرای برنامه‌ها، یکی از اصول کلیدی برنامه‌ریزی راهبردی است. در بستر این موضوع، شناخت وضع موجود از اهمیتی کلیدی برخوردار است؛ زیرا هرچند ترسیم چشم‌انداز، اهداف غایی و سازوکارهای رسیدن به آنها مهم‌ترین گام‌های برنامه‌ریزی راهبردی است، اما برای ترسیم چشم‌انداز و وضعیت آینده، شناخت وضعیت موجود و جایگاه فعلی از اهمیتی راهبردی برخوردار است. کمیت و کیفیت جمعیت از متغیرهای مهم در توسعه و امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود. در ایران، در راستای تلاش برای افزایش قدرت ملی، گفتمان غالب در برنامه‌ریزی جمعیت، بر افزایش شمار جمعیت تأکید دارد (علیی، ۱۳۹۴ و قلی‌زاده، ۱۳۸۹). در این میان، توان فرهنگی و نظام پراکنش فضایی جمعیت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حالی است که در راستای افزایش قدرت ملی، کیفیت و چگونگی استقرار فضایی جمعیت به مراتب اهمیت بیشتری می‌یابد.

از این‌رو، امروزه استقرار جمعیت در مناطق زیست‌محیطی شکننده و در معرض تهدید، تمرکز صنایع در حومه‌های شهری، انتقال نیافتن صنایع به روستاها (UN, 2016: 13)، فقدان توانایی و مهارت‌های شغلی ساکنان شهری، کاهش تعلقات فرهنگی و دلبستگی‌های هویتی شهرنشینان، قطبی‌شدن و تمرکز بیش از حد جمعیت در شهرهای بزرگ، پایین‌بودن امکانات رفاهی در روستاها و شهرهای کوچک و آلودگی، هرج‌ومرج و نازل‌شدن کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ به چالش‌های مهمی برای شهروندان، مسئولین و نظام برنامه‌ریزی ایران تبدیل شده‌اند. در این میان، توسعه زندگی شهری و شهری‌شدن بدون برنامه‌ریزی سکونت، خود به‌مثابه عامل تسریع‌کننده سایر چالش‌ها عمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که امروزه نزدیک به سه چهارم جمعیت کشور شهرنشین هستند. این در حالی است که بر اساس سرشماری عمومی ۱۳۹۰ حدود ۳۶ درصد یا به تعبیری یک سوم کل جمعیت شهری کشور در ۸ کلان‌شهر تهران، مشهد، کرج، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز و قم جای گرفته است.

استقرار فضایی جمعیت هم در عرصه ملی و هم در عرصه محلی، دارای پراکنشی نامنظم است. غالب جمعیت و شهرها در مناطق شمالی و غربی کشور قرار دارند. در این میان، استان‌ها و مناطق ساحلی جنوب کشور علاوه بر آنکه از تراکم جمعیتی پایینی برخوردارند، از

پراکنش نامنظم جمعیت در مراکز شهری نیز رنج می‌برند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به مدل‌های آماری، استقرار جمعیت و انتظام فضایی شهرها در استان‌های ساحلی جنوب ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخلاف پژوهش‌های پیشین، در این پژوهش استان‌های یادشده نه به صورت منفرد، بلکه مجموعاً به‌مثابه استان‌های ساحلی جنوب کشور در قالب یک ناحیه، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و در بررسی‌ها، به نوار و کرانه ساحلی اکتفا نشده، بلکه پس‌کرانه‌ها نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

الف. استقرار جمعیت و انتظام فضایی شهرها

در برنامه‌ریزی راهبردی توسعه کشور، پیش‌بینی نیازها و امکانات در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت و سپس طراحی و اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در راستای تأمین آن نیازها، ضروری است. شناخت مسائل جمعیتی، یکی از مهم‌ترین ابزارها در راستای این برنامه‌ریزی کلان کشور است. برنامه‌ریزی بر مبنای تحول‌های مربوط به جمعیت، یعنی از پیش اندیشیدن، تجسم کردن یا طراحی وضعیت مطلوب آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند (رضائیان، ۱۳۸۳: ۱۰۷). جایگاه جمعیت در برنامه‌ریزی توسعه از این رو حائز اهمیت است که از یک سو، جمعیت، موتور محرکه توسعه است و پیشبرد همه طرح‌های توسعه متکی به توان جمعیتی کشورها و مناطق است و از سوی دیگر، وضعیت، معیشت و منزلت جمعیت، هدف نهایی همه برنامه‌ریزی‌ها است. در رویکرد کیفی، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی از جایگاه بالاتری برخوردارند. این در حالی است که در رویکرد کمی به برنامه‌ریزی راهبردی جمعیت، ساختار سنی و جنسی و تراکم و پراکنش فضایی جمعیت بیش از سایر متغیرها مورد بررسی و تأکید قرار می‌گیرد.

نکته در خور توجه این است که هر دو رویکرد در مرحله اجرا، از ویژگی‌ها و تحلیل‌های یکدیگر وام می‌گیرند. رویکرد سیستمی به برنامه‌ریزی راهبردی جمعیت نیز تلفیق کامل دو رویکرد کمی و کیفی است.

منطقه جغرافیایی - جمعیتی^۱ به‌مثابه رویکردی به برنامه‌ریزی و مدیریت فرآیندهای جمعیت، دارای سابقه‌ای طولانی است (Kornev, 1983: 361). در این رویکرد، پراکنش و ساختار فضایی جمعیت در ارتباط با موقعیت، وضعیت و مولفه‌های جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌گیرد و زمینه را برای برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه و آمایش بهینه فضا فراهم می‌کند. در مطالعات و برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین و توسعه منطقه‌ای، تحلیل ساختار فضایی فعالیت‌ها و سکونتگاه‌ها از اهمیتی کلیدی برخوردار است. ساختار فضایی به الگو و چیدمان سلسله‌مراتبی فعالیت‌ها و سکونتگاه‌ها در یک فضای جغرافیایی اشاره دارد و نتیجه پراکندگی بنیادهای زیستی، برنامه‌ریزی‌های توسعه و سیاست‌های دولت‌هاست. در این ساختار، الگو و آرایش فضایی سکونتگاه‌ها و کارکرد و اهمیت آنها در جذب جمعیت و ارائه خدمات به حوزه نفوذ و سایر مناطق مشخص می‌شود.

جهان در مسیری قرار گرفته که روند تحولات آن حاکی از تبدیل زمین به سیاره شهری است و جامعه روستایی به تدریج به اقلیتی کوچک تبدیل می‌شود (سرمست و زالی، ۱۳۸۹: ۶۰). چون شهرها پذیرای شمار بیشتری از جمعیت هستند، از جایگاه و اهمیت بیشتری در نظام فضایی سکونتگاهی برخوردارند. بیش از نیمی از جمعیت جهان در حال حاضر در مناطق شهری ساکن هستند و جمعیت روستایی نیز برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای به مراکز شهری وابسته است. از این‌رو، در کنفرانس مسکن و توسعه پایدار شهری سازمان ملل متحد در کیوتو اکوادور، ترویج شهرنشینی پایدار برای اجرای برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار مورد تصویب و تأکید قرار گرفت (UN, 2016: 2). بر این مبنای شهرها در مطالعات ملی و منطقه‌ای مبنای تحلیل آرایش فضایی سکونتگاه‌ها و انتظام فضایی جمعیت قرار می‌گیرند. روابط میان شهرها در بسیاری از موارد و به‌طور خاص در مطالعات نظام‌های شهری، بر مبنای سلسله‌مراتب تعریف شده است.

ایده سلسله‌مراتبی، ریشه‌های خود را در نظریه مکان مرکزی^۲ می‌یابد که در دهه‌های بسیار در قرن گذشته بر تفکر دانشگاهی درباره سازمان فضایی نظام‌های شهری حاکم بود

1. Demogeographic Region
2. Central place theory

(سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳) از این‌رو، امروزه نیز موثرترین مدل برای تبیین چگونگی آرایش فضایی نظام‌های شهری، استفاده از سلسله‌مراتب شهری^۱ و رتبه‌بندی بر پایه اندازه و کارکرد آنهاست (Fallman, 2001: 407). در ارتباط با سلسله‌مراتب شهری دو رویکرد کلی وجود دارد. رویکرد نخست، بر اندازه جمعیت و ساختار اقتصادی شهرها تأکید دارد و رویکرد دوم، بر مبنای جریان داده‌ها و اطلاعات به تحلیل سلسله‌مراتب شهری و سازمان‌یابی فضایی شهرها می‌پردازد (Limtankool, 2007: 26). در این میان، در رویکرد نخست، بیشتر اندازه جمعیت مبنای کار قرار می‌گیرد، زیرا اندازه جمعیتی بیشتر، نماینده طیف وسیعی از کالاها و خدمات تخصصی در دسترس در یک منطقه و مکان شهری و همچنین، شاخصی از اهمیت آن در نظام اقتصادی است؛ به طوری که نقاط بسیار مهم در سیستم، بیشترین تمرکز چنین کارکردهایی را در غالب محصولات، امکانات و خدمات دارند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۲۸).

رویکرد دوم نیز با اتکا به نظریه جامعه شبکه‌ای مانوئل کاستلز^۲ و در قالب فضای جریان‌ها^۳ این موضوع را بررسی می‌کند. در این پژوهش که با اتکا به رویکرد نخست انجام می‌شود، اندازه جمعیتی معیار تحلیل است. در این رویکرد، از دو دسته شاخص‌ها استفاده می‌شود که به ترتیب میزان تمرکز و میزان تعادل را اندازه‌گیری می‌کنند.

نخست شهری، شاخصی است که برای سنجش و آزمون میزان بزرگسری و قطبی‌شدن جمعیت در یک پهنه به کار می‌رود. نخست شهری ابتدا توسط جغرافی‌دان آلمانی مارک جفرسون^۴ در ۱۹۳۹ مطرح شد و به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک شهر نسبت به سایر شهرها و نقاط سکونتگاهی موجود در یک منطقه یا کشور از وزن جمعیتی، کارکرد اقتصادی و خدماتی و حوزه نفوذ غیرقابل مقایسه‌ای برخوردار است. چنین شهرهایی مراکز تجمع ثروت، جمعیت و قدرت محسوب شده و کارکرد مکان مرکزی برای سایر سکونتگاه‌ها و مراکز جمعیتی دارند. نخست شهری در بیشتر کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی کوچک

-
1. Urban Hierarchy
 2. Manuel Castells
 3. Spaces Of Flows
 4. Mark Jefferson

وجود دارد و رشد زیرساخت‌های شهری در یک شهر که به جذب جمعیت منجر می‌شود، نقش موثری در شکل‌گیری آن دارد (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۱). برای اندازه‌گیری شاخص نخست‌شهری بیشتر از معیار جمعیتی استفاده می‌کنند. برای نمونه، برخی از پژوهشگران نخست‌شهر را شهری می‌دانند که جمعیت آن دو برابر جمعیت شهر دوم باشد (شکویی، ۱۳۷۳). شاخص اولیه نخست‌شهری بعدها با ارائه شاخص دوشهر، چهار شهر (کینزبرگ)، شاخص‌های ارائه‌شده توسط مهتا و موما و الوصابی توسعه و تکامل پیدا کرد.

با توجه به آنکه شاخص‌های پیشین، میزان نخست‌شهری و یا تسلط شهر نخست بر نظام شهری را بررسی می‌کردند، برای سنجش میزان تمرکز در کل نظام شهری و اینکه آیا نظام شهری به‌سوی تعادل نسبی پیش می‌رود یا نه، از دسته دیگری از شاخص‌ها استفاده می‌شود که مهم‌ترین آنها شاخص هرfindal و پراکندگی هندرسون است (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۵). همچنین، برای بررسی اینکه آیا اثرات سیاست‌ها و راهبردهای اتخاذشده منجر به ایجاد تعاد و پراکندگی فضایی شده، از دسته‌ای دیگر از شاخص‌ها استفاده می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها، ضریب آنتروپی است (فنی، ۱۳۸۲: ۷۹) روش «حد اختلاف طبقه‌ای» نیز برای سنجش چگونگی انتظام و سنجش توازن جمعیت در فضا مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای سنجش پتانسیل جمعیت‌پذیری منطقه نیز روش‌هایی وجود دارد که در اینجا از شاخص ضریب کشش‌پذیری استفاده می‌شود.

جدول ۱. شاخص‌ها و فرمول‌های مورد استفاده

پارامتر	شاخص	فرمول	اجزای فرمول	توضیحات
نخست‌شهری	نخست‌شهری	$UPI = \frac{P1}{P}$	P: کل جمعیت شهری	هرچه مقدار عددی این شاخص بیشتر باشد، نشان‌دهنده نخست‌شهری در منطقه مورد بررسی است.
	دوشهر (جفرسون)	$ICI = \frac{P1}{P2}$	P1: جمعیت شهر اول	
	شاخص کینزبرگ (چهار شهر)	$ICI = \frac{P1}{P2 + P3 + P4}$	P2: جمعیت شهر دوم	
	شاخص مهتا	$MI = \frac{P1}{P1 + P2 + P3 + P4}$	P3: جمعیت شهر سوم	
			P4: جمعیت شهر چهارم	مقدار عددی بین

پارامتر	شاخص	فرمول	اجزای فرمول	توضیحات
	شاخص موما و الوصابی	$MAI = \frac{P1 + P2}{P3 + P4}$	چهارم	۰,۶۵ و ۱ باشد، فوق برتری؛ بین ۰,۵۴ تا ۰,۶۵، برتری؛ بین ۰,۴۱ تا ۰,۵۴، مطلوب؛ و کمتر از ۰,۴۱ باشد، کمترین است.
میزان تمرکز	شاخص هرفیندال	$HCI = \sum_{i=1}^n \left(\frac{pi}{p}\right)^2$	pi: جمعیت شهر i p: کل جمعیت شهری	افزایش این شاخص نشان‌دهنده تمرکز بیشتر است.
	شاخص هندرسون	$UD = \left[\sum_{i=1}^n \left(\frac{pi}{p}\right)^2 \right] - 1$		
میزان تعادل	ضریب انتروپی	$H = - \sum_{i=1}^n pi * \ln pi$	pi: نسبت جمعیت شهر i به کل جمعیت شهری pr: جمعیت شهر مورد انتظار یا شهر م ^r pl: جمعیت شهر نخست	با نزدیک شدن این شاخص به ۱ توزیع به‌سوی تعادل در حرکت است.
میزان کشش و انعطاف‌پذیری	ضریب کشش‌پذیری	$E = (t, t + 10) \frac{YU(t, t + 10)}{r(t, t + 10)}$	E: ضریب کشش‌پذیری در فاصله زمانی t و t+10 yu: نرخ رشد سالانه جمعیت شهری r: نرخ رشد سالیانه جمعیت کل	عدد به‌دست‌آمده میزان کشش و انعطاف‌پذیری جمعیتی کانون‌های شهری را نشان می‌دهد.
شاخص توازن	حد اختلاف طبقه‌ای	1. R=MAX(P)-MIN(P) 2. K=1+3.3logN 3. H= $\frac{P}{K}$ ۴. تشکیل ماتریس و تقسیم‌بندی شهرها	K: تعداد طبقات N: تعداد شهرها	

ب. مناطق ساحلی و الزامات برنامه‌ریزی راهبردی جمعیت

این پژوهش، استان‌های ساحلی جنوب ایران را مورد بررسی قرار داده است. اصطلاح مناطق ساحلی با توجه به فرآیندها و معیارهای فضایی مورد استفاده، برای نشان‌دادن طیف وسیعی از مناطق مجاور (کرانه‌ها) و نزدیک دریاها (پس‌کرانه‌ها) به کار می‌رود. اینکه دایره شمولیت این اصطلاح چه مناطقی است، بستگی به فرایندهای طبیعی و انسانی دارد که مورد بررسی قرار می‌گیرند (Crowell et al, 2007: v). ارتفاع، حوزه آبریز و تقسیمات سیاسی-اداری عواملی هستند که دایره شمولیت مناطق ساحلی و به تعبیری دیگر، نفوذ و اثرگذاری سواحل و دریاها را در استقرار جمعیت و زیست انسانی مشخص می‌کند. در اینجا نیز مراد از مناطق ساحلی حوزه‌های کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای است.

توسعه و بهره‌برداری از مناطق ساحلی در دهه‌های اخیر بسیار افزایش یافته است و سواحل در حال تغییرات بزرگ اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی هستند که انتظار می‌رود در آینده نیز ادامه یابد. علاوه بر این، مناطق ساحلی الگوهای متمایز ساختاری و توسعه‌ای جمعیت را نشان می‌دهند که به‌طور جزئی با روند جهانی رشد و شهرنشینی مرتبط است (Neumann, 2015: 2). در ایران، مناطق ساحلی در پذیرش و استقرار جمعیت متمایز از روند جهانی عمل کرده و سرعت کمتری در جمعیت‌پذیری دارند. جغرافیای ایران با محدودیت‌های فراوانی در زمینه پذیرش جمعیت مواجه است. فقر نسبی بنیادهای زیستی در بسیاری از مناطق کشور سبب شده است الگوی پراکنش جمعیت تابعی از پراکندگی منابع به‌ویژه منابع آب باشد. چون پراکنش جمعیت در مناطق خشک و نیمه‌خشک با محدودیت‌هایی روبروست، امکان تداوم حیات تنها در مناطق کوهپایه‌ای، بنادر و واحه‌ها وجود دارد.

با این حال، دافعه مناطق خشک، سبب قطبی‌شدن جمعیت در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها می‌شود و با انباشت بیش از حد جمعیت در نقاط شهری، بحران‌هایی مانند کمبود شدید آب آشامیدنی، افزایش بیابان‌ها، از بین بردن درختان، بهداشت پایین شهری، گسترش بیماری‌ها و افزایش آلودگی‌ها که از ویژگی‌های مناطق خشک است، در آنها بروز می‌یابد (Alshuwaikhat and Nkwenti, 2002: 86). از سوی دیگر، روی آوردن جمعیت به شهرها، سبب خالی‌شدن روستاها، مناطق کم‌توان و نواحی پس‌کرانه‌ای شده و ضمن آسیب

جدی به اقتصاد سنتی، روستایی و کشاورزی، مناطق خالی از جمعیت را به محلی برای رشد جرائم سازمان‌یافته تبدیل کرده و شکل‌گیری حفره‌های دولت^۱ در این مناطق را در پی خواهد داشت که از منظر پدافند غیرعامل، تهدیدی برای امنیت کشور محسوب می‌شوند. در کنار این، شهرهای جنوب ایران به‌ویژه شهرهای کرانه‌ای به دلیل موقعیت آنها در نزدیکی و مجاورت سواحل، در دهه‌های اخیر همواره جذب‌کننده جمعیت بوده‌اند و آهنگ فعلی رشد جمعیت در آنها، سبب بارگذاری بیش از حد فعالیت و جمعیت در شده و ضمن بروز برخی چالش‌های اجتماعی مانند حاشیه‌نشینی و پیامدهای ثانویه آن، با فشار بر اکوسیستم‌های ساحلی، کیفیت زیست در این مناطق روز به روز کمتر و بر مشکلات اجتماعی، امنیتی و زیست‌محیطی آنها افزوده خواهد شد.

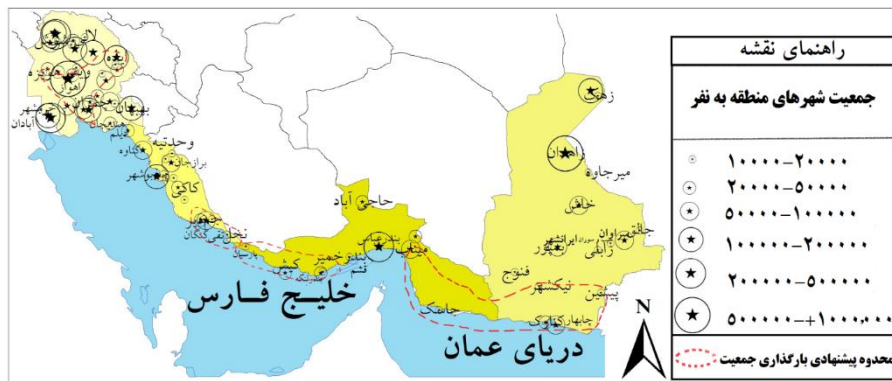
از این منظر، به نظر می‌رسد در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی رعایت الزامات زیر اجتناب‌ناپذیر است:

- رعایت تعادل اکولوژیک حداقل از طریق تناسب و توانایی در تأمین منابع آب و خودپالایی زیست‌محیطی؛
- رعایت اصول پدافند غیرعامل در پراکنش فضایی جمعیت با هدف کاهش آسیب‌پذیری و ایمنی از مخاطرات محیطی، بالایای طبیعی و جنگ‌های احتمالی؛
- تقسیم کار فضایی - عملکردی میان شهرهای بزرگ، شهرهای میانی، شهرهای کوچک و حوزه‌های روستایی؛
- استفاده حداکثری و منطقی از سواحل بر اساس اصول آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فضایی در راستای غالب‌شدن بر مشکلاتی مانند ضعف اقتصادی و کمبود منابع آبی؛
- جلوگیری از قطبی‌شدن جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در شهرهای بزرگ و اولویت‌دهی به رشد شهرهای میانی؛
- انتقال فعالیت‌ها و صنایع آب‌بر از مناطق مرکزی به مناطق ساحلی به‌ویژه در تولیدات با رویکرد صادرات محور.

ج. محدوده مورد مطالعه

استان‌های خوزستان، سیستان بلوچستان، هرمزگان و بوشهر به‌عنوان استان‌های ساحلی جنوب کشور، با داشتن جمعیتی حدود ۹۶۷۷۱۷۹ تن، ۱۲/۸ درصد از جمعیت ایران را در خود جای داده‌اند. این استان‌ها با مجموع ۲۰/۸ درصد مساحت ایران و دارابودن ۶۶ شهرستان، قطب اصلی صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، شیلات و گمرکات کشور محسوب می‌شوند.

نقشه ۱. محدوده مورد مطالعه



استان‌های مورد بررسی، به دلیل برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز، دسترسی به آب‌های آزاد از طریق خلیج فارس و دریای عمان، قرارگرفتن در مناطق مرزی و همجواری با عراق، کشورهای شبه‌جزیره عربستان و شبه‌قاره هند و جغرافیای متکثر قومی و مذهبی و برخی ملاحظات امنیتی، از قابلیت‌ها و شرایط ویژه‌ای برخوردارند. از این‌رو، توسعه نظام‌مند و متوازن آنها همواره مورد تأکید محافل علمی و سیاسی کشور بوده است؛ زیرا این امر از یک سو، منجر به تأمین توسعه و امنیت پایدار در این مناطق شده و از سوی دیگر، امکان استقرار و فعالیت شمار بیشتری از جمعیت کشور در این مناطق را فراهم می‌کند. در تحلیل عملکرد سازمان فضایی و تقسیم کار راهبردی مناطق، استان‌های یادشده که محور ساحلی جنوب کشور را تشکیل می‌دهند، قطب تولید نفت، گاز، پتروشیمی و مرکز خدمات بندری، حمل و نقل دریایی و شیلات محسوب می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹: ۴۷۶-۴۲۶). در سالیان اخیر، این

مناطق به قطب دوم تولید صنایع فلزی نظیر آلومینیوم و فولاد و سایر صنایع انرژی‌بر کشور نیز تبدیل شده‌اند.

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ در این منطقه ۷۵ شهر بالای ۱۰۰۰۰ نفر قرار دارد. میزان شهرنشینی در خوزستان ۷۱ درصد، هرمزگان ۵۰ درصد، بوشهر ۶۸ درصد، سیستان و بلوچستان ۴۹ درصد است و به جز سیستان و بلوچستان، میزان شهرنشینی در همه استان‌های دیگر نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ افزایش یافته است. در همه استان‌های بالا به جز سیستان و بلوچستان، رشد جمعیت شهری بیش از جمعیت روستایی بوده و رشد جمعیت شهری از کل جمعیت بیشتر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۴۰ و ۴۲) از نظر تراکم نسبی جمعیت نیز محدوده مورد بررسی از تراکم جمعیتی نسبتاً پایینی برخوردار است. بیشترین تراکم جمعیت در استان خوزستان ۷۱ نفر در کیلومتر مربع است و کم‌ترین آن در سیستان و بلوچستان و ۱۴ تن در هر کیلومتر مربع است. این عدد برای استان‌های بوشهر و هرمزگان به ترتیب ۴۵ و ۲۲ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۴۰ و ۴۲).

جدول ۲. جمعیت شهرهای منطقه مورد مطالعه

۱۳۸۱۰	۵۸- جاسک	۲۳۳۰۹	۳۹- حاجی‌آباد	۶۹۸۶۹	۲۰- رامهرمز	۱۱۱۲۰۲۱	۱- اهواز
۱۳۷۷۸	۵۹- اهرم	۲۳۰۰۸	۴۰- رامشیر	۶۴۱۱۰	۲۱- بندر گناوه	۵۶۰۷۲۵	۲- زاهدان
۱۳۶۹۰	۶۰- پیشین	۲۲۸۲۲	۴۱- گتوند	۶۳۲۲۹	۲۲- میناب	۴۳۵۷۵۱	۳- بندرعباس
۱۲۸۲۰	۶۱- عالی‌شهر	۲۲۳۹۳	۴۲- بندر دیلم	۶۰۴۶۱	۲۳- امیدیه	۲۴۸۳۸۰	۴- دزفول
۱۲۶۵۳	۶۲- آغا‌جاری	۲۰۹۸۲	۴۳- حمیدیه	۵۹۷۹۵	۲۴- سراوان	۲۱۲۷۴۴	۵- آبادان
۱۲۵۴۴	۶۳- پارسیان	۲۰۱۵۷	۴۴- بندر دیر	۵۹۱۶۱	۲۵- شوش	۱۹۵۲۲۲	۶- بوشهر
۱۱۵۷۷	۶۴- فنوج	۱۸۰۷۲	۴۵- چغادک	۵۴۱۰۵	۲۶- خاش	۱۵۳۷۷۸	۷- بندر ماهشهر
۱۱۵۱۵	۶۵- بنک	۱۷۷۴۵	۴۶- لالی	۵۲۷۸۶	۲۷- شادگان	۱۳۷۷۲۲	۸- زابل
۱۱۵۰۳	۶۶- نخل‌تقی	۱۷۵۴۶	۴۷- جالق	۴۴۴۶۹	۲۸- سوسنگرد	۱۲۹۴۱۸	۹- خرمشهر
۱۱۴۱۴	۶۷- وحدتیه	۱۷۲۳۸	۴۸- آب‌پخش	۳۵۶۳۰	۲۹- کنارک	۱۲۶۸۱۱	۱۰- اندیمشک
۱۰۸۸۱	۶۸- شرافت	۱۶۴۹۶	۴۹- کنگ	۳۴۹۴۴	۳۰- خورموج	۱۱۷۰۹۳	۱۱- ایذه
۱۰۸۳۶	۶۹- دزآب	۱۶۳۱۳	۵۰- جم	۳۳۲۸۵	۳۱- دهبازر	۱۰۷۴۱۲	۱۲- بهبهان

۱۰۶۳۲	۷۰- سیب و سوران	۱۶۱۵۴	۵۱- هویزه	۳۱۱۳۸	۳۲- چمران	۱۰۶۸۱۵	۱۳- شوشتر
۱۰۱۵۶	۷۱- کاکلی	۱۵۸۸۹	۵۲- نیک‌شهر	۳۰۴۷۸	۳۳- بندرلنگه	۱۰۳۳۶۹	۱۴- مسجد سلیمان
۱۰۱۲۱	۷۲- میرجاوه	۱۵۱۰۵	۵۳- ویس	۲۸۶۰۲	۳۴- قشم	۹۷۰۱۲	۱۵- ایرانشهر
۱۰۱۱۲	۷۳- زابلی	۱۴۸۷۷	۵۴- هفتگل	۲۶۹۲۹	۳۵- هندیجان	۹۵۴۴۹	۱۶- برازجان
۱۰۰۷۱	۷۴- بمپور	۱۴۸۱۳	۵۵- ملاثانی	۲۴۹۶۸	۳۶- شیبان	۸۵۶۳۳	۱۷- چابهار
۱۰۰۵۲	۷۵- قلعه‌تل	۱۴۶۱۷	۵۶- بندر خمیر	۲۴۸۱۹	۳۷- کیش	۷۶۳۲۹	۱۸- بندر کنگان
		۱۴۳۲۴	۵۷- زهک	۲۳۳۵۲	۳۸- باغملک	۷۲۳۵۷	۱۹- بندر امام خمینی

منبع: مرکز آمار ایران

د. نخست‌شهری و قطبی‌شدن جمعیت در منطقه

استان‌های ساحلی جنوب کشور از توسعه نامتوازن و بی‌تعادلی فضایی رنج می‌برند. تحت تاثیر این وضعیت، قطبی‌شدن جمعیت و به‌دنبال آن، نخست‌شهری و ویژگی است که کمابیش در همه استان‌های منطقه وجود دارد. همان‌طور که در جدول شماره ۳ دیده می‌شود، بیشترین میزان نخست‌شهری در استان هرمزگان است؛ جایی که شهر نخست یعنی بندرعباس تقریباً هفت برابر شهر دوم یعنی میناب است. کمترین میزان نخست‌شهری نیز در استان بوشهر است؛ جایی که بندر بوشهر دو برابر برازجان است. در کل منطقه نیز نخست‌شهری چندان قابل توجه نیست. در شاخص دوشهر اگر عدد به‌دست‌آمده به ۲ ختم شود، دارای تعادل بوده و نخست‌شهری، حاکمیت ندارد، ولی اگر بالاتر از ۲ باشد، شاخص نخست‌شهری تسلط دارد (تقوایی و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۴). در اینجا نیز به‌دلیل وزن مناسب جمعیتی شهر برازجان نسبت به بوشهر، تنها استان بوشهر وضعیت مناسبی دارد. این در حالی است که در سایر استان‌ها به‌ویژه هرمزگان، وضعیت نخست‌شهری حاکم است. اما در کل منطقه، به‌دلیل وجود شهرهای بندرعباس و زاهدان، این نسبت تعدیل شده و وضعیت نسبتاً مناسبی حاکم است.

مبنای عددی کینزبرگ عدد ۰/۹۲۳ است که بیشتر از آن نشان‌دهنده تسلط نخست‌شهری است. بر این اساس، در استان‌های خوزستان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان وضعیت نخست‌شهری حاکم است، اما در استان بوشهر و کل منطقه ساحلی جنوب کشور وضعیت مناسب به نظر می‌رسد.

جدول ۳. وضعیت نخست‌شهری در منطقه مورد مطالعه

شاخص‌ها	خوزستان	بوشهر	هرمزگان	سیستان و بلوچستان	کل منطقه
نخست‌شهری	۰,۳۶۱	۰,۳۰۹	۰,۶۲۵	۰,۴۸۹	۰,۲۰۰
شاخص دو شهر	۴,۴۷۷	۲,۰۴۵	۶,۸۹۱	۴,۰۷۱	۱,۹۸۳
شاخص کینزبرگ	۱,۸۰۸	۰,۸۲۷	۳,۴۳۱	۱,۷۵۰	۰,۸۹۳
شاخص مهتا	۰,۶۴۳	۰,۴۵۲	۰,۷۷۴	۰,۶۳۶	۰,۴۷۱
شاخص موما و الوصابی	۳,۷۱۱	۲,۰۶۹	۷,۸۲۵	۳,۸۲۴	۲,۴۴۵

در شاخص مهتا مقدار عددی $۰/۶۵$ تا ۱ بیشترین نخست‌شهری (فوق برتری)، مقدار عددی $۰/۵۴$ تا $۰/۶۵$ نخست‌شهری بیشتر (برتری)، $۰/۴۱$ تا $۰/۵۴$ نخست‌شهری مطلوب و مقدار کمتر از $۰/۴۱$ کمترین میزان نخست‌شهری را نشان می‌دهد (زبردست، $۱۳۸۶: ۳۵$ ؛ لیوارجانی و شیخ‌احمدی، $۱۳۸۸: ۱۵۵$). بر این مبنای، استان هرمزگان وضعیت نامناسبی دارد و بیشترین نخست‌شهری (فوق برتری) در این استان مشاهده می‌شود. در استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان نخست‌شهری بیشتر و برتری شهری حاکم است و تنها در استان بوشهر وضعیت مطلوبی برقرار است. بر اساس این شاخص، بررسی ساختار شهری کل منطقه نیز نشان‌دهنده وضعیت مناسب است.

در شاخص موما و الوصابی هرچه مقدار عددی این شاخص بزرگ‌تر باشد، نظام شهری مورد نظر دارای نخست‌شهری بیشتری است. در یک بررسی تطبیقی بر اساس این شاخص، استان بوشهر نسبت به سایر استان‌ها وضعیت مناسبی دارد و استان هرمزگان از وضعیت نامناسبی برخوردار است. اگر تعاملات فضایی استان‌های ساحلی مورد توجه قرار گرفته و استان‌های یادشده به‌مثابه یک منطقه مورد بررسی قرار گیرند، وضعیت نامناسب نخست‌شهری تعدیل می‌شود.

۱. شاخص‌های تمرکز و تعادل

تمرکز فضایی جمعیت در یک یا چند نقطه سکونتگاهی و شهری با استفاده از شاخص‌های سنجش تمرکز قابل بررسی و تحلیل است. در شاخص هرfindال، همان‌طور که در جدول

شماره ۴ مشاهده می‌شود، مقدار عددی شاخص در استان هرمزگان بیشتر است و این امر گویای تمرکز بیشتر جمعیت در این استان است. چنین وضعیتی با شدت کمتر در سیستان و بلوچستان نیز وجود دارد. شاخص هندرسون نیز نشان می‌دهد توزیع نظام شهری در استان بوشهر متعادل‌تر از سایر استان‌هاست و خوزستان نیز وضعیتی مناسب‌تر از سیستان و بلوچستان و هرمزگان دارد. در این میان، بیشترین تمرکز در استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان وجود دارد. در بررسی وضعیت آنتروپی نیز استان بوشهر از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است و توزیع جمعیت در این استان متعادل‌تر است.

جدول ۴. وضعیت شاخص‌های تمرکز و تعادل در منطقه مورد بررسی

شاخص/استان	خوزستان	بوشهر	هرمزگان	سیستان و بلوچستان	کل منطقه
شاخص هرفیندال	۰,۱۵۶	۰,۱۵۳	۰,۴۰۹	۰,۲۸۹	۰,۱۶۰
شاخص هندرسون	۶,۴۰۱	۶,۵۳۲	۲,۴۴۴	۳,۴۵۶	۶,۲۴۶

۲. شاخص توازن

برای سنجش کیفیت انتظام و نظام‌یافتگی متوازن و متعادل جمعیتی شهرها در پهنه سرزمین، از روش «حد اختلاف طبقه‌ای» استفاده می‌شود. پراکنش شهرها در طبقات مختلف جمعیتی نشان‌دهنده انتظام منطقی شهرها و پراکنش متوازن جمعیت در سرزمین است. تمرکز شهرها در یک یا چند طبقه نیز نشان‌دهنده تمرکز زیرساخت‌های خدماتی، رفاهی، اقتصادی و طبیعی در این مناطق و نابرخورداری سایر مناطق است. در استان‌های ساحلی جنوب کشور با توجه به جمعیت شهرها، هفت طبقه جمعیتی قابل تصور است که در این میان، شهر اهواز به‌متناوب بزرگ‌ترین شهر منطقه در صدر قرار گرفته است. در طبقات پنجم و ششم، هیچ شهری جای ندارد و این نشان‌دهنده فاصله جمعیتی اهواز با شهرهای بعدی یعنی زاهدان و سپس بندرعباس است. در طبقه سوم نیز شهرهای میانی مانند دزفول و آبادان در کنار بوشهر قرار دارند. بیش از ۹۰ درصد شهرهای منطقه نیز در طبقه نخست قرار دارند.

جدول ۵. طبقه‌بندی شهرهای ۴ استان بر اساس روش «حد اختلاف طبقه‌ای»

ردیف	گروه‌های جمعیتی شهرها(نفر)	تعداد شهرها	درصد کل	اسامی شهرها
۱	۱۰۰۵۲---۱۶۷۴۷۷	۶۹	۹۲	سایر شهرها
۲	۱۶۷۴۷۷---۳۲۴۹۰۲	۳	۴	دزفول، آبادان و بوشهر
۳	۳۲۴۹۰۲---۴۸۲۳۲۷	۱	۱/۳۳	بندرعباس
۴	۴۸۲۳۲۷---۶۳۹۷۵۲	۱	۱/۳۳	زاهدان
۵	۶۳۹۷۵۲---۷۹۷۱۷۷	-	-	-
۶	۷۹۷۱۷۷---۹۵۴۶۰۲	-	-	-
۷	۹۵۴۶۰۲---۱۱۱۲۰۲۷	۱	۱/۳۳	اهواز
مجموع	-	۷۵	۱۰۰	-

در استان خوزستان به دلیل وضعیت جمعیتی اهواز، فاصله این شهر با شهرهایی که در سه طبقه دیگر جای دارند، زیاد است و بیش از ۹۰ درصد این شهرها در طبقه نخست یعنی شهرهای کوچک جای دارند.

جدول ۶. طبقه‌بندی شهرهای استان خوزستان بر اساس روش حد اختلاف طبقه‌ای

ردیف	گروه‌های جمعیتی شهرهای خوزستان	تعداد شهرها	درصد کل	اسامی شهرها
۱	۱۰۰۵۲---۱۹۳۷۱۴	۲۹	۹۰/۶	بندرامهشهر، خرمشهر، اندیمشک، ایذه، بهبهان، شوشتر، مسجدسلیمان، بندر امام خمینی، رامهرمز، امیدیه، شوش، شادگان، سوسنگرد، چمران، هندیجان، شیبان، باغملک، رامشیر، گتوند، حمیدیه، لالی، هویزه، ویس، هفتگل، ملاثنی، آغاچاری، شرافت، دزآب، قلعه‌تل
۲	۱۹۳۷۱۴---۳۷۷۳۷۶	۲	۶/۲۵	دزفول و آبادان
۳	۳۷۷۳۷۶---۵۶۱۰۳۸	-	-	-
۴	۵۶۱۰۳۸---۷۴۴۷۰۰	-	-	-
۵	۷۴۴۷۰۰---۹۲۸۳۶۲	-	-	-
۶	۹۲۸۳۶۲---۱۱۱۲۰۲۴	۱	۳/۱۲۵	اهواز
مجموع	-	۳۲	۱۰۰	-

در استان سیستان و بلوچستان نیز بر اساس روش «حد اختلاف طبقه‌ای» پنج طبقه قابل تصور است. اما به جز زاهدان و زابل یعنی شهرهای بزرگ منطقه بلوچستان و سیستان، سایر شهرها در طبقه نخست قرار دارند؛ که بیشتر شهرهای کوچک را شامل می‌شود.

جدول ۷. طبقه‌بندی شهرهای استان سیستان و بلوچستان

بر اساس روش «حد اختلاف طبقه‌ای»

اسامی شهرها	درصد کل	تعداد شهرها	گروه‌های جمعیتی شهرهای سیستان و بلوچستان	ردیف
بمپور، زابلی، میرجاوه، سیب و سوران، فنوج، پیشین، زهک، نیک‌شهر، جالق، کنارک، خاش، سراوان، چابهار، ایرانشهر	۸۷/۵	۱۴	۱۲۰۲۰۲ --- ۱۰۰۷۱	۱
زابل	۶/۲۵	۱	۲۳۰۴۰۴ --- ۱۲۰۲۰۲	۲
-	-	-	۳۴۰۵۳۵ --- ۲۳۰۴۰۴	۳
-	-	-	۴۵۰۶۶۶ --- ۳۴۰۵۳۵	۴
زاهدان	۶/۲۵	۱	۵۶۰۷۹۷ --- ۴۵۰۶۶۶	۵
-	۱۰۰	۱۶	-	مجموع

در استان بوشهر نیز بر اساس روش «حد اختلاف طبقه‌ای» پنج طبقه شهری قابل تصور است، اما پراکندگی شهرها در چهار طبقه است. این استان از نظر انتظام‌یافتگی جمعیت، نسبت به سایر استان‌ها وضعیت متوازن‌تری دارد؛ به طوری که برخلاف سایر استان‌ها که بیش از ۹۰ درصد شهرها در طبقه نخست قرار دارند، ۷۵ درصد شهرها در طبقه نخست قرار دارند.

جدول ۸. طبقه‌بندی شهرهای استان بوشهر بر اساس روش حد اختلاف طبقه‌ای

ردیف	گروه‌های جمعیتی شهرهای استان بوشهر	تعداد شهرها	درصد کل	اسامی شهرها
۱	۱۰۱۵۶ --- ۴۷۱۷۰	۱۲	۷۵	خورموج، دیلم، دیر، چغادک، آب‌پخش، جم، اهرم، عالی‌شهر، بنک، نخل‌تقی، وحدتیه، کاکلی
۲	۴۷۱۷۰ --- ۸۴۱۸۳	۲	۱۲/۵	بندر کنگان، گناوه
۳	۸۴۱۸۳ --- ۱۲۱۱۹۶	۱	۶/۲۵	بrazجان
۴	۱۲۱۱۹۶ --- ۱۵۸۲۰۹	-	-	-
۵	۱۵۸۲۰۹ --- ۱۹۵۲۲۲	۱	۶/۲۵	بوشهر
مجموع	-	۱۶	۱۰۰	-

در طبقه‌بندی شهرهای استان هرمزگان بر اساس روش «حد اختلاف طبقه‌ای» از چهار گروه قابل‌تصور، شهرهای استان در دو گروه جای دارند و به‌جز بندرعباس به‌عنوان مرکز استان، سایر شهرها در طبقه نخست قرار دارند. این وضعیت نشان‌دهنده فاصله زیاد جمعیتی بندرعباس با سایر شهرهای استان و انتظام نامتوازن جمعیت در استان هرمزگان است.

جدول ۹. طبقه‌بندی شهرهای استان هرمزگان بر اساس روش حد اختلاف طبقه‌ای

ردیف	گروه‌های جمعیتی شهرهای استان هرمزگان	تعداد شهرها	درصد کل	اسامی شهرها
۱	۱۲۵۴۴ --- ۱۱۸۳۴۶	۱۰	۹۰/۹	میناب، دهبازر(رودان)، بندرلنگه، قشم، کیش، حاجی‌آباد، کنگ، خمیر، جاسک، پارسپان
۲	۱۱۸۳۴۶ --- ۲۲۴۱۴۸	-	-	-
۳	۲۲۴۱۴۸ --- ۳۲۹۹۵۰	-	-	-
۴	۳۲۹۹۵۰ --- ۴۳۵۷۵۲	۱	۹/۱	بندرعباس
مجموع	-	۱۱	۱۰۰	-

۳. میزان کشش و انعطاف پذیری

برای سنجش توانایی مراکز شهری در جذب و تثبیت جمعیت در منطقه، از ضریب کشش پذیری استفاده شده است. در واقع، ضریب کشش پذیری، انعطاف مراکز شهری در پذیرش جمعیت جدید را نشان می‌دهد. در تحلیل وضعیت کشش پذیری جمعیتی شهرهای هر منطقه، اگر میزان کشش پذیری به سمت یک و بالاتر از آن میل کند، شهر دارای جاذبه جمعیتی بالاتری است و برعکس، ضرایب پایین‌تر نشان‌گر ضعف شهر در جذب جمعیت و نگهداشت جمعیت خود است (فنی، ۱۳۸۳: ۸۳). معمولاً ضریب کشش پذیری دارای چهار حالت است که بر این اساس ۰ تا ۰/۲ بسیار ضعیف، ۰/۲ تا ۰/۴ متوسط، ۰/۴ تا ۰/۶ قوی و ۰/۶ تا ۰/۸ بسیار قوی است.

در استان خوزستان، نتایج برآمده از محاسبه ضریب کشش پذیری نشان می‌دهد شهرهای ماهشهر، رامهرمز، چمران، اهواز، ایذه، هویزه، شوشتر و شهرهای کوچک‌تری مانند شرافت و قلعه‌تل دارای ضریب کشش پذیری بالایی بوده و از قابلیت بیشتری برای افزایش بارگذاری جمعیت برخوردارند. در مقابل، شهرهای مسجدسلیمان، آبادان، حمیدیه، آغاجاری، شیبان، سوسنگرد و حتی خرمشهر و به درجات کمتر اندیمشک و ملاتانی از ضریب کشش‌پذیری پایینی برخوردارند و با محدودیت‌هایی در زمینه بارگذاری بیشتر جمعیت مواجه‌اند.

جدول ۱۰. ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان خوزستان

شهرهای استان خوزستان	ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای استان	ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای ۴ استان	شهرهای استان خوزستان	ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای دربین شهرهای استان	ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای ۴ استان
اهواز	۱.۳۳۵	۱.۳۰۵	چمران	۵.۲۷۲	۵.۱۵۳
دزفول	۰.۸۰۹	۰.۷۹۱	هندیجان	۰.۶۸۲	۰.۶۶۶
آبادان	-۰.۲۳۳	-۰.۲۲۸	شیبان	-۲.۳۹۱	-۲.۳۳۷
بندرماهشهر	۳.۳۴۳	۳.۲۶۷	باغملک	۱.۱۰۶	۱.۰۸۱
خرمشهر	۰.۴۲۴	۰.۴۱۴	رامشیر	-۰.۷۱۰	۰.۶۹۴
اندیمشک	۰.۵۸۱	۰.۵۶۸	گتوند	۰.۶۱۰	۰.۵۹۷
ایذه	۱.۱۸۴	۱.۱۵۷	حمیدیه	-۰.۴۴۳	-۰.۴۳۳
بهبهان	۰.۷۷۱	۰.۷۵۴	لالی	۰.۸۷۷	۰.۸۷۵

۱.۰۷۹	۱.۱۰۴	هویره	۱.۲۰۵	۱.۲۳۳	شوستر
۰.۷۰۴	۰.۷۲۰	ویس	۰.۲۴۶	-۰.۲۵۲	مسجد سلیمان
۰.۰۹۰	۰.۰۹۲	هفتگل	۰.۷۱۸	۰.۷۳۵	بندر امام خمینی
۰.۵۴۸	۰.۵۶۱	ملائانی	۳.۲۹۲	۳.۳۶۸	رامهرمز
-۰.۳۶۲	-۰.۳۷۱	آغا جاری	۰.۳۹۷	۰.۴۰۶	امیدیه
۱.۶۲۲	۱.۶۵۹	شرافت	۰.۸۸۵	۰.۹۰۵	شوش
۰.۶۰۱	۰.۶۱۵	دزآب	۰.۷۷۶	۰.۷۹۳	شادگان
۱.۴۸۷	۱.۵۲۱	قلعه تل	۰.۱۸۸	۰.۱۹۲	سوسنگرد

در استان سیستان و بلوچستان، شهرهای کنارک، چابهار، جالق، نیک‌شهر و در کنار آنها شهرهای کوچک زهک، پیشین، زابلی، فنوج، سیب و سوران و بمپور از قابلیت افزایش بارگذاری جمعیت برخوردارند. در مقابل، شهرهای زاهدان و ایرانشهر، میرجاوه و سروان از ضریب کشتش‌پذیری و قابلیت بارگذاری جمعیت کمتری برخوردارند. نکته شایان ذکر آنکه محاسبه ضریب کشتش‌پذیری در مقیاس ناحیه‌ای نشان می‌دهد شهرهای سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌ها از توان جمعیت‌پذیری کمتری برخوردارند.

جدول ۱۱. ضریب کشتش‌پذیری شهرهای استان سیستان و بلوچستان

شهرهای استان سیستان و بلوچستان	ضریب کشتش‌پذیری شهرهای استان	ضریب کشتش‌پذیری در بین شهرهای ۴ استان	شهرهای استان سیستان و بلوچستان	ضریب کشتش‌پذیری شهرهای استان	ضریب کشتش‌پذیری در بین شهرهای ۴ استان
زاهدان	-۰,۴۰۴	-۰,۱۱۲	نیک‌شهر	۱,۷۲۸	۶,۲۴۶
زابلی	۱,۸۰۴	۰,۴۹۹	زهک	۲,۳۹۱	۸,۶۴۱
ایرانشهر	-۰,۸۴۸	-۰,۲۳۴	پیشین	۲,۵۸۵	۹,۳۴۵
چابهار	۶,۴۵۹	۱,۷۸۷	فنوج	۱,۶۸۸	۶,۱۰۲
سروان	۰,۶۵۸	۰,۱۸۲	سیب و سوران	۰,۶۱۲	۲,۲۱۴
خاش	۱,۵۷۶	-۰,۴۳۶	میرجاوه	-۲,۶۹۳	-۹,۷۳۴
کنارک	۷,۵۳۷	۲,۰۸۵	زابلی	۲,۶۷۲	۹,۶۵۶
جالق	۸,۱۰۲	۲,۲۴۱	بمپور	۰,۹۹۲	۳,۵۸۶

نتایج برآمده از محاسبه ضریب کشش پذیری نشان می‌دهد در استان بوشهر در مقیاس استانی، به ترتیب بندرکنگان، عالی شهر، جم و شهرهای نوبنیاد نخل تقی و بنک از ضریب کشش پذیری و قابلیت افزایش بارگذاری جمعیت برخوردارند. در مقیاس منطقه‌ای نیز شهرهای یادشده از کشش‌پذیری بالایی برخوردارند. در مقابل، شهرهای گناوه، دیر، چغادک، وحدتیه و کاکی نیز از کشش‌پذیری و قابلیت بارگذاری جمعیتی ضعیفی برخوردارند.

جدول ۱۲. ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان بوشهر

شهرهای استان بوشهر	ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان	ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای ۴ استان	شهرهای استان بوشهر	ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان	ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای ۴ استان
بوشهر	۰,۸۴۴	۱,۸۰۸	آب پخش	۰,۵۳۰	۱,۱۳۴
بrazجان	۰,۱۵۱	۰,۳۲۴	جم	۱,۸۸۶	۴,۰۳۷
بندرکنگان	۵,۷۴۲	۱۲,۲۹۱	اهرم	۰,۵۴۸	۱,۱۷۳
بندر گناوه	۰,۳۴۶	۰,۷۴۱	عالی شهر	۳,۳۹۶	۷,۲۶۹
خورموج	۰,۴۳۷	۰,۹۳۶	بنک	۱,۲۳۹	۲,۶۵۳
بندر دیلم	۰,۵۴۱	۱,۱۵۸	نخل تقی	۱,۷۶۵	۳,۷۷۸
بندر دیر	۰,۳۹۱	۰,۸۳۸	وحدتیه	۰,۱۵۱	۰,۳۲۴
چغادک	۰,۴۲۴	۰,۹۰۸	کاکی	۰,۱۱۵	۰,۲۴۷

در استان هرمزگان، هرچند ضریب کشش‌پذیری همه شهرهای استان بالاست، اما بندر خمیر، جاسک، بندرلنگه، کیش و پارسیان از پتانسیل بارگذاری جمعیت بیشتری برخوردارند. در این میان، شهر ساحلی و تاریخی کنگ و بندرعباس به‌مثابه مرکز استان نسبت به سایر شهرهای استان ضریب کشش‌پذیری کمتری برخوردارند. در مقیاس ناحیه‌ای نیز بندر خمیر در غرب و جاسک در شرق استان از ضریب کشش‌پذیری بیشتری برخوردارند.

جدول ۱۳. ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان هرمزگان

شهرهای استان هرمزگان	ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان	ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای ۴ استان	شهرهای استان هرمزگان	ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان	ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای ۴ استان
بندرعباس	۰,۹۵۲	۱,۳۲۴	حاجی‌آباد	۰,۹۶۰	۱,۳۳۶
میناب	۱,۰۴۷	۱,۳۹۷	کنگ	۰,۷۲۳	۱,۰۰۵
دهبارز	۰,۶۹۶	۰,۹۶۸	بندر خمیر	۱,۷۸۳	۲,۴۷۹
بندر لنگه	۱,۲۸۳	۱,۷۸۴	جاسک	۱,۴۹۰	۲,۰۷۲
قشم	۱,۰۷۵	۱,۴۹۵	پارسیان	۱,۱۹۲	۱,۶۵۸
کیش	۱,۲۶۱	۱,۷۵۴			

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی آمایش سرزمین بر رابطه انسان (جمعیت)، فعالیت‌ها (اقتصاد) و فضا (سکونتگاه) استوار است. با توجه به ساحلی‌شدن اقتصاد در دهه‌های اخیر، الگوهای اسکان از مناطق داخلی و خشکی به سوی سواحل میل پیدا کرده است. در این راستا، با رشد زندگی شهرنشینی و توسعه شهرها در مناطق ساحلی، رسالت مدیران آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی، هدایت و مدیریت جریان‌های مهاجرت و سکونت در مناطق ساحلی اعم از کرانه‌ها و پس‌کرانه‌هاست. در ایران، به دلایل متعددی توسعه سواحل به ویژه سواحل جنوبی متناسب با پتانسیل‌های نهفته در این مناطق و روندهای جهانی همراه نبوده و توسعه سواحل تنها به صورت لکه‌های صنعتی مرتبط با صنعت نفت و گاز در خلیج فارس خلاصه شده است. در این میان، سواحل شرقی و میانی خلیج فارس، حد فاصل بندر شهید رجایی تا عسلویه و بندر دیر تا بوشهر و گناوه تا بندر امام خمینی و سواحل اقیانوسی ایران در دریای عمان، در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی نادیده گرفته شده‌اند.

مطالعه استان‌های ساحلی جنوب کشور نشان می‌دهد علاوه بر تمرکز جمعیت در نیمه شمالی و غربی کشور، در استان‌های جنوبی نیز بی‌تعادلی در استقرار جمعیت و قطبی‌شدن جمعیت در یک یا دو شهر قابل مشاهده است. همان‌طور که مشاهده شد، نخست‌شهری کمابیش در همه استان‌ها وجود دارد و در استان هرمزگان این وضعیت بسیار شدیدتر است.

این در حالی است که استان بوشهر وضعیت نسبتاً مناسبی دارد. از نظر شاخص‌های تعادل و توازن نیز استان بوشهر وضعیت مناسب‌تری دارد و در استان هرمزگان، ناموزونی جمعیتی شهرهای استان مشهود است؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۹۰ درصد شهرها از نظر جمعیتی شهرهایی کوچک محسوب می‌شوند. چنین وضعیتی با شدت کمتر در استان خوزستان نیز وجود دارد، اما وجود شهرهای بزرگ اهواز، آبادان و دزفول تا حدی وضعیت را تعدیل کرده است. چنین وضعیتی ضرورت برنامه‌ریزی و حرکت به‌سوی تعادل جمعیت و بازتوزیع آن در منطقه را روشن می‌کند که این مهم از طریق توجه به مناطق مستعد بارگذاری جمعیت امکان‌پذیر است. بی‌توجهی به مناطق مستعد بارگذاری جمعیت علاوه بر قطبی‌شدن جمعیت، فشار بر زیرساخت‌ها و پیامدهایی نظیر آلودگی، بحران آب و فرونشست زمین، زمینه را برای بروز مسائل اجتماعی مانند حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی فراهم می‌کند. بندرعباس، زاهدان و اهواز نمونه‌های ممتاز شهرهایی هستند که با بی‌توجهی به مناطق مستعد بارگزاری جمعیت در پیرامون آنها و قطبی‌شدن جمعیت در این سه شهر با مشکلات مختلفی مانند بحران آب، آلودگی هوا و حاشیه‌نشینی مواجه هستند و زمینه بروز مشکلاتی مانند خشک‌شدن تالاب‌ها و فرونشست زمین را در مناطق مجاور خود فراهم آورده‌اند. در رویکردی ملی نیز بی‌توجهی به مناطق مستعد بارگذاری جمعیت، علاوه بر تشدید مشکلات زیست‌محیطی مانند بحران آب در مناطق مرکزی به‌ویژه در استان‌های صنعتی مانند اصفهان، یزد و کرمان، سبب تحمیل هزینه‌های فراوان برای اتصال کرانه و پس‌کرانه و نواحی داخلی کشور به‌مثابه مراکز تجمع جمعیت می‌شود.

از منظری دیگر، با تداوم روند فعلی کمبود آب در فلات مرکزی ایران، سواحل جنوب کشور می‌تواند محل مناسبی برای توسعه سکونتگاه‌های شهری در قالب شهرهای کوچک و میانی در راستای استفاده از مزیت‌های تجاری، گردشگری، شیلاتی و صنعتی موجود در این مناطق باشد. بی‌توجهی به مسئله مهم آب و پیامدهای آن بر تنش‌های داخلی می‌تواند در دهه‌های آینده ضمن تشدید اختلافات بین مناطق و مخالفت با انتقال آب بین‌حوزه‌ای، این منطقه را به بیابانی خالی از سکنه تبدیل کند. هم‌اکنون انتقال بین‌حوزه‌ای آب، فارغ از پیامدهای منفی زیست‌محیطی آن، چه از منطقه بختیاری و سرشاخه‌های کارون و چه از

سواحل جنوب به فلات مرکزی، با مخالفت جوامع و گروه‌های بومی روبروست و با تلفیق مسائل زیست‌محیطی و قومی - منطقه‌ای نوع جدیدی از بحران‌های اکولوژیکی را در ایران ایجاد کرده است که مسبوق به سابقه نبوده و رضایت هریک از طرفین، نارضایتی و اعتراض دیگری را در پی داشته است. در این زمینه، مهاجرت‌های مدیریت‌شده از طریق توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، خدماتی و سکونتگاهی در خلیج فارس و به‌ویژه دریای عمان، می‌تواند راهبردی موثر برای فائق‌آمدن بر بحران بی‌تناسبی میان جمعیت و منابع به‌ویژه منابع آب در فلات مرکزی ایران باشد.

این در حالی است که جمعیت‌پذیرکردن سواحل جنوب و جنوب شرق کشور می‌تواند ضمن ایجاد اجتماعات جدید و امتزاج فرهنگی بومیان و مهاجران، به تقویت همبستگی ملی و بین‌قومی در این نواحی کمک کند. از سوی دیگر، بارگذاری جمعیت در مناطق مستعد جمعیت‌پذیری در سواحل می‌تواند به رونق اقتصاد فضا از طریق هم‌افزایی پتانسیل‌های محیطی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی جدید منجر شده و بحران اشتغال و نارضایتی‌های ناشی از آن را تا حد زیادی کاهش دهد. هم‌اکنون اگر برخی شهرهای صنعتی استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان را مستثنی کنیم، در بیشتر کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های جنوب، بیکاری مهم‌ترین و بنیادی‌ترین بحران موجود در جامعه است. در این میان، اقتصاد غیررسمی مبتنی بر فعالیت‌های قاچاق، کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های عمان وضعیت نگران‌کننده‌ای دارند. این در حالی است که با وجود رونق پدیده قاچاق بیکاری در این مناطق، همچنان بالاترین نرخ بیکاری در کشور متعلق آنهاست. با توسعه اجتماعات جدید، هم‌تکمیلی‌های اقتصادی به خلق فرصت‌های جدیدی منجر خواهد شد که می‌تواند بخشی از بیکاری موجود در منطقه را پوشش دهد.

همان‌طور که در نقشه نیز مشخص است، در جنوب شرق کشور می‌توان محدوده واقع در کرانه‌های و پس‌کرانه‌های دریای عمان یعنی چابهار، کنارک در سواحل تا پیشین، نیک‌شهر و فنوج در شمال و جاسک و سیریک در غرب را منطقه‌ای مستعد بارگذاری در نظر گرفت. همچنین، در استان سیستان و بلوچستان امکان توسعه شهرهای بمپور و سیب و سوران برای بارگذاری جمعیت اضافه و سرریز ایرانشهر و سراوان وجود دارد. در غرب استان هرمزگان نیز توسعه سواحل و پس‌کرانه‌ها در شهرستان‌های بندرلنگه و پارسیان می‌تواند این منطقه را به

قطب جاذب جمعیت تبدیل کند. در استان بوشهر، توسعه منطقه پارس جنوبی می‌تواند منطقه شرق این استان از جمله شهرهای کنگان، جم و نخل تقی را به قطب جاذب جمعیت تبدیل کند. همچنین، امکان جذب سرریز جمعیت بندر بوشهر در شهر جدید عالی‌شهر نیز وجود دارد. علاوه بر مناطق یادشده، در مجموع سواحل استان بوشهر از بندر دیر تا بوشهر و گناوه تا بندر دیلم از قابلیت توسعه و در نتیجه پذیرش بیشتر جمعیت برخوردار است. در استان خوزستان نیز محور شهرهای ماهشهر، رامهرمز و چمران می‌تواند مستعد بارگذاری جمعیت باشد.

برنامه‌ریزی آمایشی می‌تواند شهرهای شوستر، ایذه، شرافت و قلعه‌تل را نیز با توجه به موقعیت آنها نسبت به رود کارون، مناطق هدف قرار دهد (نقشه ۱). توجه به طرح‌های کلان توسعه ملی و منطقه‌ای مانند طرح توسعه مکران که نیمه شرقی استان هرمزگان و جنوب استان سیستان و بلوچستان را در بر می‌گیرد، منطقه آزاد و منطقه ویژه صنایع انرژی‌بر پارسین و پارس جنوبی که بیش از ۱۲۰ کیلومتر از سواحل استان هرمزگان و بوشهر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، می‌تواند به‌مثابه کاتالیزورهایی برای تسهیل بارگذاری جمعیت و استفاده بهینه از سواحل جنوب کشور عمل کند؛ امری که به توسعه پس‌کرانه‌ها در استان‌های کرمان، فارس و کهگیلویه و بویراحمد نیز می‌انجامد.

منابع

- تقوایی، مسعود و میرنجف موسوی (۱۳۹۰) نقدی بر شاخص‌های تعیین نخست‌شهری و ارائه شاخصی جدید (با نگاهی تحلیلی بر شاخص‌های نخست‌شهری در ایران) **فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی**، دوره ۱، شماره ۱.
- داداش‌پور، هاشم، امیررضا ممدوحی، آتوسا آفاق پور (۱۳۹۳) سازمان فضایی در نظام شهری ایران با استفاده از تحلیل جریان هوایی افراد، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳.
- رضائیان، علی (۱۳۸۹) **اصول مدیریت**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رهنمایی، محمدتقی، منوچهری ایوب میان‌دوآب، احد ابراهیم‌پور (۱۳۹۰) سیر تحولات نخست‌شهری و نظام شهری منطقه آذربایجان، **فصلنامه آمایش سرزمین**، سال سوم، شماره پنجم.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶) بررسی تحولات نخست‌شهری در ایران، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۹.
- سرمدت، بهرام و نادر زالی (۱۳۸۹) انتظام فضایی شبکه شهری و برنامه‌ریزی جمعیتی در افق ۱۴۰۰؛ مطالعه موردی آذربایجان، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۱۳، شماره ۴۸.
- سیف‌الدینی، فرانک، حسین منصوریان، احمد پوراحمد و روشنک درویشزاده (۱۳۹۲) پویایی فضایی - زمانی نظام شهری ایران (۱۳۳۵-۱۳۹۰) **پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۱، شماره ۱.
- شکویی، حسین (۱۳۷۳) **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**، تهران، سمت، چاپ اول.
- علینی، محمدولی (۱۳۹۴) نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۲۸.
- فنی، زهره (۱۳۸۲) **شهرهای کوچک: رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای**، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- قلی‌زاده، سیدابراهیم (۱۳۸۹) تغییر سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۶.
- لیوارجانی، پروین‌دخت و علی شیخ اعظمی (۱۳۸۸) بررسی پدیده نخست‌شهری در ایران در سال ۱۳۸۵: سیاست و سرزمین، **فصلنامه فضای جغرافیایی**، سال نهم، شماره ۲.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، **گزیده نتایج سرشماری عمومی ۱۳۹۰**، تهران: مرکز آمار ایران
- موسوی، میرنجف و علی باقری کشکولی (۱۳۹۲) **روش‌های تحلیل جمعیت در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای**، چاپ دوم، تهران: نشر آراد.

Alshuwaikhat, Habib and Nkwenti (2002), Developing Sustainable Cities in Arid Regions, **Cities**, Vol. 19, No. 2.

Crowell, Mark, Scott Edelman, Kevin Coulton, and Scott McAfee (2007), How Many People Live in Coastal Areas?, **Journal of Coastal Research**, Vol. 23, No. 5.

Fallman, Jerome D (2007), **Human Geography; landscape of Human Activities**, 6th edition, Brown & Benchmark Publishers.

- Kornev, In (1983) The demogeographic region as an object for planning and management, **Soviet geography**, No 2, US National Library of Medicine, National Institutes of Health
- Limtankool, Narisara (2007), Ranking Functional Urban Regions , **Cities** ,Vol. 24, No.1.
- Neumann, Barbara, Athanasios T. Vafeidis, Juliane Zimmermann, Robert J. Nicholls (2015), Future Coastal Population Growth and Exposure to Sea-Level Rise and Coastal Flooding - A Global Assessment, **PLOS ONE**.
- UN (2016), **Policies on Spatial Distribution and Urbanization**, United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division Data Booklet (ST/ESA/ SER.A/394).